

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ جون ۲۰۱۹

حملة "امراالله صالح" بر "کمال ناصر اصولی"!!

پنجشنبه - ۳۰ جوزا ۱۳۹۸ - کابل: یادداشت امروز را به بحث در مورد جمله آتی اختصاص داده ام:

"بیشتر از این برای یک حلقه کوچک ۱۳ نفری نباید اجازه داد تا خانه ملت را به گروگان گرفته و با سرنوشت ملت بازی کنند."

جمله ای که در بالا از نظرتان گذشت، نه مربوط به "لطیف پدram" است، نه هم مربوط به "عطاء" و یا "محقق" و یا هم "حنیف اتمر". بلکه گوینده جمله فوق "امراالله صالح" است که در تکت انتخاباتی "غنی احمدزی" در مقام "معاون اول ریاست جمهوری" موقعیت دارد. طرف مقابل و یا مخاطب جمله فوق کسی نیست به غیر از "کمال ناصر اصولی". یعنی یکی از افراد نزدیک به "غنی احمدزی" که می خواست با در اختیار گرفتن ریاست پارلمان، سیاستهای تبارگرایانه و ضد ملی "یون و غنی" را در داخل پارلمان نیز امتداد داده، نهادینه بسازد. موضعگیری های تبارگرایانه و ضد ملی "اصولی" آنقدر آشکار و انکار ناپذیر بوده و است که اکثریت مطلق نمایندگان قوم پشتون نیز به وی رأی نداده در نتیجه در آخرین رأی گیری، ۱۹۷ وکیل از جانب مقابلش حمایت نمود و به همه نشان دادند که سیاست های افراطی تبارگرایانه دیگر جایی در بین مردم ندارد.

آنچه برای این قلم از اهمیت برخوردار است، نفس موضعگیری "صالح" علیه "اصولی" و صدور فرمان جنگ علیه وی می باشد. این موضعگیری می تواند روی دلایل ذیل صورت گرفته باشد:

۱- با در نظرداشت این که "امراالله صالح" در تکت انتخاباتی "غنی احمدزی" بیشتر از این که به خاطر تعلق قومی اش باشد، به دلیل تعلق استخباراتی اش به "سیا" می باشد و این نکته برای همه کس روشن است که "سیا" از وی خواسته است تا جهت کنترل حماقت ها و خیره سری های "غنی احمدزی" در کنارش قرار بگیرد، می تواند موضعگیری اخیر "صالح" علیه "اصولی" به دستور امریکا و در جهت مهارکردن توطئه های "غنی احمدزی" که روز تاروز دامن آلوده امپریالیسم امریکا را آلوده تر می سازد، صورت گرفته باشد.

۲- هرگاه این حرکت و موضعگیری، بدون مشورت با "غنی احمدزی" اتخاذ شده باشد، بدان معنا است که زوج جدید انتخاباتی قبل از رسمیت یافتن عقد و ختم مراسم و قبل از آن که "ماه غسل" شان را آغاز نمایند، به طرف جدائی و طلاق در حرکت اند. یعنی در چنین صورتی از هم گسستن این تکت انتخاباتی بعید نیست. زیرا برای "غنی احمدزی"

که به اصطلاح "کون لچ به نیزه بازی مشغول است" داشتن و برخورداری از حمایت تبارگرایان افراطی از قماش "یون و اصولی" ارزش حیاتی دارد و نمی تواند از آن صرف نظر نماید.

۳- هرگاه این موضعگیری به مشوره و توافق "غنی احمدزی" صورت گرفته باشد، بدان معناست:

الف- "غنی احمدزی" متوجه شده است که سیاست های تبارگرایانه افراطی اش، نه تنها سایر اقوام ساکن افغانستان را علیه وی تحریک نموده بلکه بخش اعظم از قوم پشتون را که خواستار زندگانی باهمی و برادرانه با سایر اقوام اند، نیز در تقابل با وی قرار داده است، از همین رو "صالح" را که یک تن از نماد های آشکار سکتاریسم رسوای "تاجیکسیم" است وظیفه داده تا با موضعگیری علیه "اصولی" آنهم از آدرس "تیم غنی احمدزی"، مخالفت ها را علیه خودشان رقیق بسازد.

ب- ایستادن تقریباً تمام وکلای به اصطلاح "شمالی بزرگ" به نمایندگی "امان الله گذر" در عقب "رحمانی"، آنهم در آستانه به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری، "صالح" و "غنی احمدزی" را متوجه ساخته است که در صورت ادامه حمایت از شیش "اصولی" و تبارگرایان افراطی، می باید پوستین "شمالی بزرگ" را آتش بزنند. از همین رو موضعی را اتخاذ نموده که "امان الله گذر" آن را از درون پارلمان اعلام داشت.

پ- بعد از مشاهده حمایت ۱۹۷ نفر از "رحمانی"، متیقن شده اند که کاندید آنها دیگر چانسی جهت پیروزی ندارد و اگر بیشتر سماجت به خرج دهند، هم میدان را می بازند و هم حریف را از دست خواهند داد، لذا می خواهند با اتخاذ چنین موضعی، عملاً "اصولی" را قربانی نموده، "دل رحمانی" و طرفدانش را به دست بیاورند. یکی از آن تکنیک هایی که در جریان ۵ سال گذشته، "غنی احمدزی" بارها از آن طریق به هدفش رسیده است.

ت- با اعلام ضدیت علیه "اصولی" جای پائی برای خودشان در بین گروه مخالف بیابند تا امکان ضربت زدن از عقب را از دست نداده باشند.

هموطنان گرامی!

ما می دانیم که نه تنها "غنی احمدزی، صالح و اصولی" و شرکای شان به فکر خدمت به مردم نیستند، بلکه طرف مقابل شان در وجود تمام وکلای که عملاً با شرکت در انتخابات تجاوز و اشغال را به رسمیت شناخته اند، چیزی به نام عرق ملی و نیت خدمت به مردم در نهاد شان وجود ندارد. در نتیجه تمام کشمکشهای آنها در تمام ساحه ها جهت حفظ منافع فردی، خانوادگی، گروهی و حد اعلاى آن تباری خودشان می باشد.

مسلم است که امید نجات افغانستان از وضعی که فعلاً در آن به سر می برد، در موجودیت تمام باند های برسر قدرت، امیدبست واهی و عبث و این نکته نیز مسلم است که جهت رسیدن به آزادی کشور و رفاه مردم، می باید بر جمعه تمام خاینان و وطنفروشان پای گذاشت.

سرکها ما را می طلبد!!